



خروج آمریکا از برجام و انتقال سفارتخانه‌اش به قفس دو اشتباه بزرگ واشنگتن است

حسن روحانی روز سه‌شنبه و هنگام دریافت استوز نامه همیش مک‌مستر، سفیر جدید نیوزیلند در تهران گفت: طرفیت‌های خوبی در روابط ایران و نیوزیلند وجود دارد که باید از این ظرفیت‌ها برای توسعه همکاری‌های مشترک در همه عرصه‌های مورد علاقه بهره گرفته شود و تهران آماده است روابط تجاری و همکاری‌های علمی و گردشگری خود را باولینگتون گسترش دهد.

رئیس‌جمهوری خروج دولت آمریکا از توافق برجام و انتقال سفارتخانه‌اش به قفس شریف را دو اشتباه بزرگ و تاریخی واشنگتن خواند و اظهار داشت: تاریخ قضاوت خواهد کرد که هر دو این تصمیمات دولت آمریکا، بسیار نادرست و غیردقیق نسبت به ایران و مردم منطقه بوده است.روحانی با اشاره به مخالفت جامعه جهانی با هر دو تصمیم اشتباه آمریکا تصریح کرد: اولین نتیجه این تصمیمات غلط، انزوی واشنگتن نزد افکار عمومی جهان است.رئیس‌جمهوری با قدرتی از مواضع مثبت نیوزیلند در خصوص برجام خاطر نشان کرد، سال ۲۰۱۵ سال موفقیت سیاست و دیپلماسی بر تخصم و روابط غیردوستانه میان کشورها بود و دولت ایران معتقد است که تعامل سازنده با کشورهای جهان و اتخاذ استراتژی برد– برد فع همه جهان خواهد بود.

روحانی با اشاره به اینکه ایران همواره به تعهدات خود در عرصه بین‌المللی پایبند بوده و در موضوع برجام، ۱۱ گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این موضوع را تایید می‌کند، خروج واشنگتن از توافق برجام را یک شکست سیاسی و اخلاقی برای این دولت آمریکا دانست.همیش مک‌مستر، سفیر جدید نیوزیلند نیز در این دیدار با تقدیم استوزنامه خود به رئیس‌جمهوری، ابراز داشت که ولینگتون خواهان توسعه و تعمیق روابط با تهران در همه عرصه‌ها به ویژه اقتصادی است. سفیر جدید نیوزیلند با ابلاغ سلام نخست‌وزیر کشورش به روحانی این کرد: قدیمی‌ترین سفارت نیوزیلند در منطقه خاورمیانه در تهران است که این نشان‌دهنده روابط عمیق و دوستانه دو دولت و ملت با یکدیگر است و این روابط ضروری است که بیش از پیش تقویت شودوی برجام را پیروزی دیپلماسی و همکاری بر تقابل و عدم اطمینان و مهم‌ترین دستاورد دیپلماتیک تاریخ ذکر کرد و یادآور شد: حمایت کشورهای جهان از برجام بیانگر جایگاه ویژه این توافق در عرصه روابط بین‌الملل است.

شورای عالی امنیت ملی اظهارات نماینده سر دشت را تکذیب کرد

یک مقام مطلع در دین‌خانه شورای عالی امنیت ملی مطالب مطرح شده از سوی نماینده سردشت و پیرانشهر در مورد محتوای جلسه وی با دریابان ششمخانی را تکذیب کرد و با اظهار تاسف نسبت به اظهارات غیر واقعی نامبرده، خواستار رسیدگی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان به این اقدام غیر اخلاقی شد.

به گزارش ایلا، خبری نماینده سردشت و پیرانشهر در گفت‌وگویی اعلام کرده بود: دریابان شمخانی مخالفت رئیس جمهوری را دلیل بسته شدن معابر کوله بری عنوان و تاکید کرده است که رئیس جمهوری حتی با فعال شدن یک ماهه این معابر در ایام نوروز هم موافقت نکردند.

سر مقاله دوگانه ایران در عراق

ادامه از صفحه یک
نکته جالب توجه و بسیار مهم در این انتخابات علاوه بر مشارکت بسیار پایین گروه‌های مختلف اجتماعی در آن، پیروزی شوکا‌آور ائتلاف تحت حمایت مقتدی صدر بود. او توانست با پیشی گرفتن از شخصیت‌هایی چون العبادی و عامری، بخش اعظم کرسی‌های پارلمان عراق را از آن خود کند.

پیروزی صدر در این انتخابات پیام‌های روشن و قابل تأملی را برای مردم و حتی کشورهای منطقه به همراه داشت. تردیدی نیست که عراق تحت رهبری صدر، با عراق پیش از آن تفاوت‌های آشکاری خواهد داشت و معادلات داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور را به طور کلی دگرگون خواهد کرد.

تلاش مقتدی صدر طی سال‌های اخیر به منظور انتقال مفهوم «عراق عربی» و نزدیکی این روحانی شیعه به ربهبران سنی «هریستان سعودی» نشان می‌دهد او سوادیی دیگر در سر دارد و حداقل به ظاهر تلاش می‌کند تا ریشه‌های «ناسیونالیسم عربی» را در این کشور بیش از گذشته تقویت کند. اینکه چرا مقتدی صدر انقلابی که علیه نیروهای آمریکایی حاضر در عراق و دولت وقت دست به مبارزه مسلحانه می‌زد و در پی تشکیل دولتی «اسلامی» در عراق بود، حالا حاضر شده است با جریان‌های «سوکولار»، «ناسیونالیست» و «کمونیست» عراق ائتلاف کرده و دولتی متکی بر این اندیشه‌ها استوار کند، بیش از هر چیز نشان‌دهنده تغییر موضع آشکار این روحانی منسوب به خاندان «صدر» است.

ناگامی دولتمردان عراقی طی سال‌های گذشته که نتوانستند یا نخواستند اصلاحاتی قابل ملاحظه و ملموس در این کشور به وجود آورده و مردم این کشور را نسبت به آینده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن امیدوار کنند، بیش از هر موضوع دیگری به فرآیند مورد نظر صدر کمک کرد. او توانست بر همین ناکارآمدی‌ها و ضعف در مدیریت و تصمیم‌گیری بنیان اعتراض‌های خود را استوار کند. به بیان دیگر، مقتدی صدر هرگز ایده‌ای جدی در سپهر سیاسی عراق مطرح نکرده است. بلکه خط‌های استراتژیک حاکمان عراقی به کمک او آمده‌است تا همواره در نقش معترض ظاهر شود و سیاست‌های حاکمیت را به نقد بکشد. در بستر همین نقدها هم موفق شد زمینه لازم برای ائتلاف با گروه‌های کمتر مؤثر سیاسی در عراق را مهیا کرده و در نهایت به پیروزی در این انتخابات امیدوار شود.

نزدیک شدن آرام آرام و با احتیاط صدر به حاکمان سعودی، فاصله گرفتن از ایران – به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه منطقه– را در پی داشت. افزون بر آن تمام دولت‌های عراق پس از حکومت بعثی، مورد حمایت ایران بوده‌اند. از قضا مقتدی صدر هم با همه آن‌ها مشکلاتی جدی و قابل توجه داشته است. همین دو مسئله نشان می‌دهد که در صورت تعیین دولت از سوی مقتدی صدر در عراق، آینده روابط ایران با این کشور دستخوش تغییراتی جدی و اساسی شود. هرچند تاکنون – حداقل در سطح رسمی – نشانی از بروز اختلافی عمیق میان او و ایران یافت نشده است. اما یافت احتمال دور از واقع نخواهد بود که در عراق تحت زعامت مقتدی صدر نقش قدرتمند ایران نسبت به گذشته بسیار کمرنگ‌تر خواهد شد.

البته نتیجه‌گیری در این مورد بیشتر به پیش‌گویی غیرعلمی و غیرکارشناسی می‌ماند و باید منتظر ماند و دید که گروه‌های مختلف سیاسی در عراق هر یک چگونه به ایفای نقش خواهند پرداخت و هر کدام با چه گروه و جریانی به ویژه در پارلمان این کشور ائتلاف خواهند کرد.

اما نتیجه هر چه که باشد و ائتلاف‌ها به هر سمت و سویی که حرکت کند، این انتخابات نکات بسیار مهمی را آشکار کرد. نخست اینکه دولت‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران نتوانستند در افکار عمومی عراق از جایگاه مناسبی برخوردار شوند و طی این سال‌ها همواره با نزول محبوبیت و اقبال مواجه شده‌اند. دیگر اینکه به نظر می‌رسد زمان آن رسیده است تا ایران طرحی نو در روایتش با کشور عراق در اندازد و فضاهای تازه را در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور ایجاد کند.

بدون شک نمی‌توان و نباید انتظار داشت وضعیت به شرایط پیشین بازگردد. در حقیقت بازیگران جدید و تازه نفسی پای به میدان سیاست عراق گذاشته‌اند و سوادیی تازه و متفاوت از گذشته در سر دارند. با این بازیگران تازه نمی‌شود به شیوه‌های سنتی بازی کرد. شاید لازم است تا ایران نیز نسبت به روابط با همسایه غربی‌اش بازخوانی مجددی داشته باشد و مواءم‌های متغیر‌های نوریسپه را ریش از گذشته مورد توجه قرار دهد.



معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه امروز زمان یقه‌گیری‌های جناحی نیست گفت: تمام جریان‌ها و جناح‌ها باید یک صدایی را در مقابل دشمنانمان به نمایش بگذارند هر چند اختلاف سلیقه‌هایی وجود دارد اما با یکدیگر دشمن نیستیم و وقت آن رسیده که اختلاف سلایق را کنار بگذاریم. به گزارش ایرنا، وی با تاکید بر اینکه مدیران بی‌انگیزه باید کنار بروند گفت: اگر مدیری فکر می‌کند که باید با احتساب ساعت کار کند باید بداندند که شرایطی پیش آمده که خود را بدون احتساب وقت باید وقف ملت و مردم کند. معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه مدیران در این دوره باید بی‌حالی و بی‌حوصلگی را کنار بگذارند، گفت: مدیران بی‌حوصله اگر نمی‌توانند در این شرایط کار کنند کنار بروند و ما به مدیرانی که تنها در شرایط خوب نامه‌ها را امضا می‌کنند نیاز نداریم. جهانگیری با تاکید بر اینکه با توجه به محدودیت منابع باید اولویت‌گذاری کنیم گفت: در موضوع ارزی توانستیم به دولت آمریکا نشان دهیم که کشورمان اسجرام و وحدت دارد. رئیس‌جمهور بر این باور بود پس از سخنرانی‌های تند خود مردم به بازار هجوم می‌آورند اما دیدیم که فرادای آن روز هیچ اختلالی در بازارها ایجاد نشد

روزگاری از آن به عنوان یکی از دو بال پرواز اصلاحات نام می بردند. حماسه دوم خرداد مدیون آن است و دوران رئیس دولت اصلاحات ثمره اش. کمتر کسی فکر می کرد که آتقدر فعال و بزرگ و اثرگذار شود که به حد انفجار برسد و آنچه‌ان که می‌داینم رسید و تا سال‌ها روی خوش به خود ندید؛ جنحیح دانشگاهی که به واسطه نام انجمن های اسلامی در دفتر تحکیم وحدت نیروی پیشگام در عرصه سیاسی بود و با اختلافات درونی و خزان دولت کریمه به محاق رفت تا سال‌ها خون دل بخورد از ظلم زمانه. روحانی آمد و انجمن‌ها یکی پس از دیگری احیا شدند ولی هنوز رنگ اتحادیه به خود ندیده اند. آنها همچنان منتظرند تا اثرگذاری سابق خود را نیز احیا کنند اما گویی این مرغ یک پا دارد و نمی‌خواهد انجمن‌ها تا سقف اتحادیه بالابروند. این درحالی است که چهار سازمان و اتحادیه دانشجویی اصولگرا هر سال نشست برگزار می‌کنند و به گونه‌ای منسجم و منظم به فعالیت و تبیین مواضع خود می‌پردازند؛جنشیح عبدالستوه دانشجویی، بسیج، انجمن‌های اسلامی مستقل و جامعه اسلامی دانشجویان و در مقابل آن سه اتحادیه که تنها یکی از آنها فقط توانسته موافقت اولیه بگیرد، تا‌ا، دانشجویان متحد و نهایتاً دانشجویان پیرو خط امام. شرایط فعلی کشور اقتصا می‌کند تا پیرسیم حال دانشگاه بعد از گشایش‌ها چطور است؟ تحلیل فعالین دانشجویی از وضعیت پیش‌رو، آخرین شرایط تشکیل اتحادیه‌ها، وظیفه جنبش دانشجویی در شرایط فعلی و نهایتاً مطالبات دانشگاه و انجمن‌های اسلامی چیست؟

نریمان صفا پور عضو هیئت موسس اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان متحد است. به شورای احیا معروف شده و پس از روی کارآمدن حسن روحانی با تشکیل هسته های دانشجویی در سراسر کشور به دنبال احیای انجمن‌ها بود و اکنون مدت‌هاست که از تسلیم درخواست تاسیسش به وزارت علوم می‌گذرد.

صفا پور درباره ریشه های جنبش دانشجویی می‌گوید: ما چند هدف داریم داستیم. ترقی،توسعه و افزایش آگاهی در جامعه. چگونگی این مسئله به این بر می‌گردد که دانشجو به دنبال دانش بود و از طریق علمی، به آگاهی می‌رسید و مفهوم پرازوی می‌کرد و آن را گسترش می‌داد. به همین سبب فعال دانشجویی سعی می‌کرد که این علمی را که کسب کرده با عنینت‌های جامعه تطبیق داده و رهیافتی را در برخورد و مواجهه شدن با معضلات جامعه ارائه دهددر تاوأم این مسیر جنبش دانشجویی توسط انجمن های اسلامی به اینجا رسید که یک اتحادیه تاسیس کند، درگذشته دفتر تحکیم وحدت و امروز احیا و تا‌ا و خط امام. مجموعه های مختلفی که با وجود آمدن دهشیمان این بود که از طریق یک شبکه ارتباطی با ساختار بوروکراتیک، تشکیلاتی و منسجم بتوانند این غایت‌ها را در فضای بیرون از دانشگاه عملی کنند.

صفاپور نیز داغ بی تحرکی دانشگاه را برسینه دارد، او مدتهاست که سعی کرده تا در حد دسع و توان یک دانشجو حداقل بر هم‌دانشگاهیش تاثیر بگذارد و برای آنچه که اخنتگی و انفعال جنبش دانشجویی و کاهش اثرگذاری آن در سطوح کلان کشور است چند دلیل می‌آورد؛ یکی تاوأم نگاه امنیتی و هراسناک نسبت به ما از سوی حاکمیت و قدرت است واین

در فضای بیرون از دانشگاه عملی کنند. صفاپور نیز داغ بی تحرکی دانشگاه را برسینه دارد، او مدتهاست که سعی کرده تا در حد دسع و توان یک دانشجو حداقل بر هم‌دانشگاهیش تاثیر بگذارد و برای آنچه که اخنتگی و انفعال جنبش دانشجویی و کاهش اثرگذاری آن در سطوح کلان کشور است چند دلیل می‌آورد؛ یکی تاوأم نگاه امنیتی و هراسناک نسبت به ما از سوی حاکمیت و قدرت است واین

در فضای بیرون از دانشگاه عملی کنند. صفاپور نیز داغ بی تحرکی دانشگاه را برسینه دارد، او مدتهاست که سعی کرده تا در حد دسع و توان یک دانشجو حداقل بر هم‌دانشگاهیش تاثیر بگذارد و برای آنچه که اخنتگی و انفعال جنبش دانشجویی و کاهش اثرگذاری آن در سطوح کلان کشور است چند دلیل می‌آورد؛ یکی تاوأم نگاه امنیتی و هراسناک نسبت به ما از سوی حاکمیت و قدرت است واین



جواد باقری

دموکراسی یکی از مهم ترین ارمان‌ها ی بشری برای روزهایی توده‌ها از رنج و استعمار بوده است. اندیشه‌ای که گونه‌ها و شاخه‌های متفاوتی دارد و از دموکراسی لیبرالی تا دموکراسی توده‌ای را شامل می‌شود. در همین ارتباط قمت و گوئی با دکتر احمد موثقی استاد دانشگاه تهران و یکی از صاحب نظران عرصه سیاست انجام داده ایم که نقطه نظرات وی را در پی می‌خوانید:

دموکراسی به چه معناست و چگونه کشورهای مختلف با ساختارهای سیاسی متفاوت مدعی دموکراسی‌اند؟

دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است که به نوعی با حاکمیت ملی در ارتباط می‌باشد. دموکراسی انواعی دارد که برای نمونه «اِپرات دال»، «سومیتر»، «سومول هانتینگتون» و برخی اندیشمندان دیگر دانش سیاست نوعی دموکراسی رویه ای، به این معنا که هر کشور انتخاباتی آزاد و رقابتی داشته باشد مطرح می‌کنند. در این نوع از دموکراسی امکان رقابت با یکدیگر را خواهند داشت و مردم در انتخابات تعیین سرنوشت خود مشارکت خواهند کرد. در واقع نوعی نگاه مدرن به مسئله حکومت شکل می‌گیرد که حاصل آن نگاه انتخابی به اصل حکومت است و برخلاف دوران پیشامدرن که مردم در اختیار حکومت قرار داشتند، این مردم‌اند که حکومت را منتخب می‌کنند. این معیاری کمی و متوال است. از طرفی فرات از جنبه رویه ای به طور نظری دموکراسی به معنای حکومت قانون است که فعالیت احزاب و چهارچوب قانون یکی از الزامات آن به شمار می‌رود. اگر نگاه مان را کمی دقیق‌تر کنیم در می‌یابیم که زمانی که سخن از دموکراسی در دنیای امروز می‌زنیم، درواقع سخن از دموکراسی لیبرال به میان می‌آوریم. درحقیقت در دنیای امروز زمانی می‌توانیم مدعی سویم کشوری دارای دموکراسی است که با مولفه‌های مدرن و لیبرال هم خوانی داشته باشد. در دموکراسی «اصالت فرد»، «آزادی انتخاب»، «حقوق بشر» و «اصالت انسان» محور است. نکته‌ای که شاید بد نباشد در اینجا بیان کنیم این است که این موارد تراجمی با اسلام ندارد. به این معنی که بنا به تفاسیر متفاوتی نسبت به تفاسیر سنتی بنیادگرا بخوانند به انسان استقلال و اصالت بخشیده است. برای نمونه



معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه امروز زمان یقه‌گیری‌های جناحی نیست گفت: تمام جریان‌ها و جناح‌ها باید یک صدایی را در مقابل دشمنانمان به نمایش بگذارند هر چند اختلاف سلیقه‌هایی وجود دارد اما با یکدیگر دشمن نیستیم و وقت آن رسیده که اختلاف سلایق را کنار بگذاریم. به گزارش ایرنا، وی با تاکید بر اینکه مدیران بی‌انگیزه باید کنار بروند گفت: اگر مدیری فکر می‌کند که باید با احتساب ساعت کار کند باید بداندند که شرایطی پیش آمده که خود را بدون احتساب وقت باید وقف ملت و مردم کند. معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه مدیران در این دوره باید بی‌حالی و بی‌حوصلگی را کنار بگذارند، گفت: مدیران بی‌حوصله اگر نمی‌توانند در این شرایط کار کنند کنار بروند و ما به مدیرانی که تنها در شرایط خوب نامه‌ها را امضا می‌کنند نیاز نداریم. جهانگیری با تاکید بر اینکه با توجه به محدودیت منابع باید اولویت‌گذاری کنیم گفت: در موضوع ارزی توانستیم به دولت آمریکا نشان دهیم که کشورمان اسجرام و وحدت دارد. رئیس‌جمهور بر این باور بود پس از سخنرانی‌های تند خود مردم به بازار هجوم می‌آورند اما دیدیم که فرادای آن روز هیچ اختلالی در بازارها ایجاد نشد

روزگاری از آن به عنوان یکی از دو بال پرواز اصلاحات نام می بردند. حماسه دوم خرداد مدیون آن است و دوران رئیس دولت اصلاحات ثمره اش. کمتر کسی فکر می کرد که آتقدر فعال و بزرگ و اثرگذار شود که به حد انفجار برسد و آنچه‌ان که می‌داینم رسید و تا سال‌ها روی خوش به خود ندید؛ جنحیح دانشگاهی که به واسطه نام انجمن های اسلامی در دفتر تحکیم وحدت نیروی پیشگام در عرصه سیاسی بود و با اختلافات درونی و خزان دولت کریمه به محاق رفت تا سال‌ها خون دل بخورد از ظلم زمانه. روحانی آمد و انجمن‌ها یکی پس از دیگری احیا شدند ولی هنوز رنگ اتحادیه به خود ندیده اند. آنها همچنان منتظرند تا اثرگذاری سابق خود را نیز احیا کنند اما گویی این مرغ یک پا دارد و نمی‌خواهد انجمن‌ها تا سقف اتحادیه بالابروند. این درحالی است که چهار سازمان و اتحادیه دانشجویی اصولگرا هر سال نشست برگزار می‌کنند و به گونه‌ای منسجم و منظم به فعالیت و تبیین مواضع خود می‌پردازند؛جنشیح عبدالستوه دانشجویی، بسیج، انجمن‌های اسلامی مستقل و جامعه اسلامی دانشجویان و در مقابل آن سه اتحادیه که تنها یکی از آنها فقط توانسته موافقت اولیه بگیرد، تا‌ا، دانشجویان متحد و نهایتاً دانشجویان پیرو خط امام. شرایط فعلی کشور اقتصا می‌کند تا پیرسیم حال دانشگاه بعد از گشایش‌ها چطور است؟ تحلیل فعالین دانشجویی از وضعیت پیش‌رو، آخرین شرایط تشکیل اتحادیه‌ها، وظیفه جنبش دانشجویی در شرایط فعلی و نهایتاً مطالبات دانشگاه و انجمن‌های اسلامی چیست؟

تشکل های اصلاح طلب دانشجویی فصل جدیدی از فعالیت خود را آغاز می کنند؟



نوع نگرش یا برخورد و سرکوب می‌کند یا در یک محدوده مشخص و تعیین شده و بی‌محتوایی جنبش را وادار به فعالیت می‌کند و بیشتر از آن را خط قرمز می‌داند. در حالیکه این نگاه کاملاً اشتباه است و اهداف جنبش دانشجویی حمایت از نظم سیاسی موجود در راستای ترقی و پیشرفت است. دومین محور

خلایه‌های قانونی و بوروکراسی غلط در مسیر دست یابی ما به اتحادیه است که تاسیس آن را دشوار می‌کند و خلاء های قانونی منجر به تفسیرهای محدودیت‌آفرین می‌شود تا نگذارد ما به حق قانونی خود دست پیدا کنیم. مورد سوم که دلیل اصلی و کلان ماست خود دانشگاه و دانشجوست. دانشگاهی که جایی بود برای پرداخت ایده و اندیشیدن برای تولید راهکار و تبدیل آن به عمل و فعالیت عینی اکنون دیگر چنین وضعی ندارد. حقیقت خواهی از بین رفته است که کل پایل مارا بی معنا می‌کند. اگر دومورد قبل حل شود باز ما مشکل داریم و مانند هتل لوکسی می‌ماند که با تمام امکانات در اختیارمان قرار دهند اما کسی را نداریم که در آن اسکان بدهیم. قطعاً جامعه

از تشکیل اتحادیه دراین وضعیت بهر‌های خواهد برد. ابتغال دانشگاه منظمه فکری منسجمی را که مارا بواسطه تصویر یک آرمان وادار به کششگری می‌کند از بین برده است. او سیاست های حاکمیت و ساختار نظام سرمایه را عامل تبدیل شدن تحصیل به عنوان یک کالا و دانشگاه به مثابه ابزاری برای رسیدن به مافع اقتصادی عنوان می‌کند و می‌افزاید:بولوی شدن آموزش در همین راستا بوده،تبعیض های سهمیه ای و جنسیتی دانشگاه را نشانز داده به منفعت دسود و اقتصاد و درباره صدور مجوزاتحادیه، دانشجویان متحد و تا‌ا با این وضعیت به اتحادیه نمی‌رسند چون عزم وزارت علوم برعدم دادن مجوز است.هدف ما از ابتدا رسیدن به اتحادیه نبوده که بخواهیم از آن دست بکشیم و جنبش را ملغی کنیم. جذب عناصر اسلاگر که به نوعی اصل دانشجو همچنان ایمان دارند جنبه خود

کنیم و با هم افزایی دوباره بتوانیم اهداف جنبش را دنبال کنیم و در پایان وظیفه انجمن‌ها و فعالین جنبش دانشجویی را اینطور خلاصه می‌کنند:ما به دنبال ایدئولوژی نیستیم چراکه به اعتقاد من نگاه ایدئولوژیک یک ساختار منطبق است که هیچ انعطافی باواقعیت های جامعه خود ندارد.ما باید روشنگری کنیم و فهم خود را از مسائل بالا ببریم.شش وا‌رگی که ما در دانشگاه دچارش شدیم باعث انفعال و بی‌هنجاری ما در جامعه شده

نوع نگرش یا برخورد و سرکوب می‌کند یا در یک محدوده مشخص و تعیین شده و بی‌محتوایی جنبش را وادار به فعالیت می‌کند و بیشتر از آن را خط قرمز می‌داند. در حالیکه این نگاه کاملاً اشتباه است و اهداف جنبش دانشجویی حمایت از نظم سیاسی موجود در راستای ترقی و پیشرفت است. دومین محور

خلایه‌های قانونی و بوروکراسی غلط در مسیر دست یابی ما به اتحادیه است که تاسیس آن را دشوار می‌کند و خلاء های قانونی منجر به تفسیرهای محدودیت‌آفرین می‌شود تا نگذارد ما به حق قانونی خود دست پیدا کنیم. مورد سوم که دلیل اصلی و کلان ماست خود دانشگاه و دانشجوست. دانشگاهی که جایی بود برای پرداخت ایده و اندیشیدن برای تولید راهکار و تبدیل آن به عمل و فعالیت عینی اکنون دیگر چنین وضعی ندارد. حقیقت خواهی از بین رفته است که کل پایل مارا بی معنا می‌کند. اگر دومورد قبل حل شود باز ما مشکل داریم و مانند هتل لوکسی می‌ماند که با تمام امکانات در اختیارمان قرار دهند اما کسی را نداریم که در آن اسکان بدهیم. قطعاً جامعه

از تشکیل اتحادیه دراین وضعیت بهر‌های خواهد برد. ابتغال دانشگاه منظمه فکری منسجمی را که مارا بواسطه تصویر یک آرمان وادار به کششگری می‌کند از بین برده است. او سیاست های حاکمیت و ساختار نظام سرمایه را عامل تبدیل شدن تحصیل به عنوان یک کالا و دانشگاه به مثابه ابزاری برای رسیدن به مافع اقتصادی عنوان می‌کند و می‌افزاید:بولوی شدن آموزش در همین راستا بوده،تبعیض های سهمیه ای و جنسیتی دانشگاه را نشانز داده به منفعت دسود و اقتصاد و درباره صدور مجوزاتحادیه، دانشجویان متحد و تا‌ا با این وضعیت به اتحادیه نمی‌رسند چون عزم وزارت علوم برعدم دادن مجوز است.هدف ما از ابتدا رسیدن به اتحادیه نبوده که بخواهیم از آن دست بکشیم و جنبش را ملغی کنیم. جذب عناصر اسلاگر که به نوعی اصل دانشجو همچنان ایمان دارند جنبه خود

کنیم و با هم افزایی دوباره بتوانیم اهداف جنبش را دنبال کنیم و در پایان وظیفه انجمن‌ها و فعالین جنبش دانشجویی را اینطور خلاصه می‌کنند:ما به دنبال ایدئولوژی نیستیم چراکه به اعتقاد من نگاه ایدئولوژیک یک ساختار منطبق است که هیچ انعطافی باواقعیت های جامعه خود ندارد.ما باید روشنگری کنیم و فهم خود را از مسائل بالا ببریم.شش وا‌رگی که ما در دانشگاه دچارش شدیم باعث انفعال و بی‌هنجاری ما در جامعه شده

نوع نگرش یا برخورد و سرکوب می‌کند یا در یک محدوده مشخص و تعیین شده و بی‌محتوایی جنبش را وادار به فعالیت می‌کند و بیشتر از آن را خط قرمز می‌داند. در حالیکه این نگاه کاملاً اشتباه است و اهداف جنبش دانشجویی حمایت از نظم سیاسی موجود در راستای ترقی و پیشرفت است. دومین محور

زمان یقه‌گیری‌های جناحی نیست



معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه امروز زمان یقه‌گیری‌های جناحی نیست گفت: تمام جریان‌ها و جناح‌ها باید یک صدایی را در مقابل دشمنانمان به نمایش بگذارند هر چند اختلاف سلیقه‌هایی وجود دارد اما با یکدیگر دشمن نیستیم و وقت آن رسیده که اختلاف سلایق را کنار بگذاریم. به گزارش ایرنا، وی با تاکید بر اینکه مدیران بی‌انگیزه باید کنار بروند گفت: اگر مدیری فکر می‌کند که باید با احتساب ساعت کار کند باید بداندند که شرایطی پیش آمده که خود را بدون احتساب وقت باید وقف ملت و مردم کند. معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه مدیران در این دوره باید بی‌حالی و بی‌حوصلگی را کنار بگذارند، گفت: مدیران بی‌حوصله اگر نمی‌توانند در این شرایط کار کنند کنار بروند و ما به مدیرانی که تنها در شرایط خوب نامه‌ها را امضا می‌کنند نیاز نداریم. جهانگیری با تاکید بر اینکه با توجه به محدودیت منابع باید اولویت‌گذاری کنیم گفت: در موضوع ارزی توانستیم به دولت آمریکا نشان دهیم که کشورمان اسجرام و وحدت دارد. رئیس‌جمهور بر این باور بود پس از سخنرانی‌های تند خود مردم به بازار هجوم می‌آورند اما دیدیم که فرادای آن روز هیچ اختلالی در بازارها ایجاد نشد

روزگاری از آن به عنوان یکی از دو بال پرواز اصلاحات نام می بردند. حماسه دوم خرداد مدیون آن است و دوران رئیس دولت اصلاحات ثمره اش. کمتر کسی فکر می کرد که آتقدر فعال و بزرگ و اثرگذار شود که به حد انفجار برسد و آنچه‌ان که می‌داینم رسید و تا سال‌ها روی خوش به خود ندید؛ جنحیح دانشگاهی که به واسطه نام انجمن های اسلامی در دفتر تحکیم وحدت نیروی پیشگام در عرصه سیاسی بود و با اختلافات درونی و خزان دولت کریمه به محاق رفت تا سال‌ها خون دل بخورد از ظلم زمانه. روحانی آمد و انجمن‌ها یکی پس از دیگری احیا شدند ولی هنوز رنگ اتحادیه به خود ندیده اند. آنها همچنان منتظرند تا اثرگذاری سابق خود را نیز احیا کنند اما گویی این مرغ یک پا دارد و نمی‌خواهد انجمن‌ها تا سقف اتحادیه بالابروند. این درحالی است که چهار سازمان و اتحادیه دانشجویی اصولگرا هر سال نشست برگزار می‌کنند و به گونه‌ای منسجم و منظم به فعالیت و تبیین مواضع خود می‌پردازند؛جنشیح عبدالستوه دانشجویی، بسیج، انجمن‌های اسلامی مستقل و جامعه اسلامی دانشجویان و در مقابل آن سه اتحادیه که تنها یکی از آنها فقط توانسته موافقت اولیه بگیرد، تا‌ا، دانشجویان متحد و نهایتاً دانشجویان پیرو خط امام. شرایط فعلی کشور اقتصا می‌کند تا پیرسیم حال دانشگاه بعد از گشایش‌ها چطور است؟ تحلیل فعالین دانشجویی از وضعیت پیش‌رو، آخرین شرایط تشکیل اتحادیه‌ها، وظیفه جنبش دانشجویی در شرایط فعلی و نهایتاً مطالبات دانشگاه و انجمن‌های اسلامی چیست؟

نسبت به اتحادیه تا‌ا است. در افطاری سال گذشته رهبری قرار بود چند تن از تشکل‌ها و نمایندگان دانشجویان از طرفی‌های مختلف هم صحبت‌هایی را انجام بدهند اما در نهایت شاهد سخنرانی تنها یک طیف از میان دانشجویان کشور بودیم. چیزی که خود رهبری هم تأیید کرد که نظرات دانشجویان مواضع تمام طیف‌های دانشجویی نبود.

دلیل این نوع بی‌اعتمادی را نمی‌دانم چیست. اتحادیه تا‌ا حدود۳۹ تشکل چند وقت پیش نامه ای را به دفتر آقای محمدیان ارسال کرد که در آن درخواست تشکیل یک جلسه مشترک را مطرح کرد تا به هرنحوی که ایشان تصمیم بگیرند بسیاری از مسائل و شبهات برطرف شود.متأسفانه ایشان هیچ پاسخی ندادند و درپیان نکته سوم نقش شوراییال انقلاب فرهنگی را عاملی دیگر در ممانعت از تاسیس تا‌ا عنوان می‌کنند . به شورای عالی انقلاب فرهنگی برمی‌گردد. این شورا نماینده خود را به هیئت نظارت معرفی نمی‌کند معرفی نشده و در اثر پیچ و خم بوروکراتیک دانشجویان معطل مانده‌اند.

دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان در پایان به مسئولین هشدار می‌دهد کهدانشجویان این کشور بیشتر ازاین که پای صحبت‌های مسئولین و نمایندگان طراز اول نظام بنشینند پای صحبت افرادی هستند که آنها را تشویق به مهاجرت و خروج از کشور می‌کنند!آنها نامید شده‌اند باید دانشجو مؤذن تشالش کنیم چرا که به تعبیر شهید بهشتی برای رفع ناامیدی تلاش کنیم چرا که به تعبیر شهید بهشتی دانشجو مؤذن تشالش جامعه است و اگر خواب بماند نماز است قضا می‌شود.

رامین کیانی عضو هیئت موسس اتحادیه انجمن‌های اسلامی پیرو خط امام نیز دغدغه‌ای مشترک دارد:عق‌ای مرغ وعده‌های جناب رئیس جمهوری و مسئولین وزارت علوم تا کنون هیچ کدام از اتحادیه‌ها موفق به اخذ مجوز فعالیت نشده‌اند و من فکر می‌کنم دلیل عدم اجرای این فعل را باید در فشارهای نهادهای خاص و بعضاً فرارقاتونی دانست که بدون شک تفکری بیگانه با دانشگاه و دانشگاهیان دارند.

او در دفاع از اتحادیه متبوعش می‌گوید:تشکل‌های اسلامی پیرو خط امام با داشتن همه شرایط لازم و با گفتمان خط امامی که بدون شک گفتمانی سازنده و راه تجات کشور است هنوز موفق به تاسیس اتحادیه نشده‌اند و این عدم موفقیت نهادهای بدبینی‌ها و کج سلیقهی‌های نهادهایی‌ست که به دنبال حذف نیروی اصل پیرو خط امام(ره) هستند.

دبیر انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه چمران اهواز در تشریح وضع فعلی جنبش دانشجویی اضافه کرد:متأسفانه طوفان ناامیدی روز به روز بزرگتر می‌شود و کنشگری جامعه روز به روز کمتر:در این شرایط لزوم حمایت از افراد و دانشجویانی که در برابر این طوفان قد علم کرده‌اند وظیفه شرعی، اخلاقی و انسانی هر وطن‌دوستی است که ذر‌های اندیشه ایران آزاد و آباد را در سر می‌پروراند.

تشکل‌های اسلامی پیرو خط امام همچنان معتقدند که نمی‌شود بی‌تفاوت ماند و بی‌تفاوت مردان این رو با همه فشارها و کارشکنی‌ها همچنان به تلاش‌ها و فعالیت‌های خود برای رسیدن به یک جامعه بهتر ادامه می‌دهند و امید دارند که این نگاه‌های ناصحیح و افعال ضد توسعه از سوی نهادهای درونی و بیرون از دانشگاه تغییر پیدا کند و بزودی شاهد اخذ مجوز فعالیت اتحادیه انجمن‌های اسلامی پیرو خط امام(ره) باشیم.

جنبش دانشجویی روزهای سردی را پشت سر می‌گذارد. حیات او وابسته شده به دانشجویی که دیگر برایش هیچ چیز جز اسلحه و البته قانونی امروز و فردا می‌کنند.جامعه دانشجویی دیگر آن شور و شعور گذشته را ندارد و اگر نتوان برای شکستن این فضا کاری کرد بهار انجمن‌ها مجدداً به خزان رکود می‌انجامد.

نوع نگرش یا برخورد و سرکوب می‌کند یا در یک محدوده مشخص و تعیین شده و بی‌محتوایی جنبش را وادار به فعالیت می‌کند و بیشتر از آن را خط قرمز می‌داند. در حالیکه این نگاه کاملاً اشتباه است و اهداف جنبش دانشجویی حمایت از نظم سیاسی موجود در راستای ترقی و پیشرفت است. دومین محور

خلایه‌های قانونی و بوروکراسی غلط در مسیر دست یابی ما به اتحادیه است که تاسیس آن را دشوار می‌کند و خلاء های قانونی منجر به تفسیرهای محدودیت‌آفرین می‌شود تا نگذارد ما به حق قانونی خود دست پیدا کنیم. مورد سوم که دلیل اصلی و کلان ماست خود دانشگاه و دانشجوست. دانشگاهی که جایی بود برای پرداخت ایده و اندیشیدن برای تولید راهکار و تبدیل آن به عمل و فعالیت عینی اکنون دیگر چنین وضعی ندارد. حقیقت خواهی از بین رفته است که کل پایل مارا بی معنا می‌کند. اگر دومورد قبل حل شود باز ما مشکل داریم و مانند هتل لوکسی می‌ماند که با تمام امکانات در اختیارمان قرار دهند اما کسی را نداریم که در آن اسکان بدهیم. قطعاً جامعه

از تشکیل اتحادیه دراین وضعیت بهر‌های خواهد برد. ابتغال دانشگاه منظمه فکری منسجمی را که مارا بواسطه تصویر یک آرمان وادار به کششگری می‌کند از بین برده است. او سیاست های حاکمیت و ساختار نظام سرمایه را عامل تبدیل شدن تحصیل به عنوان یک کالا و دانشگاه به مثابه ابزاری برای رسیدن به مافع اقتصادی عنوان می‌کند و می‌افزاید:بولوی شدن آموزش در همین راستا بوده،تبعیض های سهمیه ای و جنسیتی دانشگاه را نشانز داده به منفعت دسود و اقتصاد و درباره صدور مجوزاتحادیه، دانشجویان متحد و تا‌ا با این وضعیت به اتحادیه نمی‌رسند چون عزم وزارت علوم برعدم دادن مجوز است.هدف ما از ابتدا رسیدن به اتحادیه نبوده که بخواهیم از آن دست بکشیم و جنبش را ملغی کنیم. جذب عناصر اسلاگر که به نوعی اصل دانشجو همچنان ایمان دارند جنبه خود

کنیم و با هم افزایی دوباره بتوانیم اهداف جنبش را دنبال کنیم و در پایان وظیفه انجمن‌ها و فعالین جنبش دانشجویی را اینطور خلاصه می‌کنند:ما به دنبال ایدئولوژی نیستیم چراکه به اعتقاد من نگاه ایدئولوژیک یک ساختار منطبق است که هیچ انعطافی باواقعیت های جامعه خود ندارد.ما باید روشنگری کنیم و فهم خود را از مسائل بالا ببریم.شش وا‌رگی که ما در دانشگاه دچارش شدیم باعث انفعال و بی‌هنجاری ما در جامعه شده

نوع نگرش یا برخورد و سرکوب می‌کند یا در یک محدوده مشخص و تعیین شده و بی‌محتوایی جنبش را وادار به فعالیت می‌کند و بیشتر از آن را خط قرمز می‌داند. در حالیکه این نگاه کاملاً اشتباه است و اهداف جنبش دانشجویی حمایت از نظم سیاسی موجود در راستای ترقی و پیشرفت است. دومین محور

خلایه‌های قانونی و بوروکراسی غلط در مسیر دست یابی ما به اتحادیه است که تاسیس آن را دشوار می‌کند و خلاء های قانونی منجر به تفسیرهای محدودیت‌آفرین می‌شود تا نگذارد ما به حق قانونی خود دست پیدا کنیم. مورد سوم که دلیل اصلی و کلان ماست خود دانشگاه و دانشجوست. دانشگاهی که جایی بود برای پرداخت ایده و اندیشیدن برای تولید راهکار و تبدیل آن به عمل و فعالیت عینی اکنون دیگر چنین وضعی ندارد. حقیقت خواهی از بین رفته است که کل پایل مارا بی معنا می‌کند. اگر دومورد قبل حل شود باز ما مشکل داریم و مانند هتل لوکسی می‌ماند که با تمام امکانات در اختیارمان قرار دهند اما کسی را نداریم که در آن اسکان بدهیم. قطعاً جامعه

از تشکیل اتحادیه دراین وضعیت بهر‌های خواهد برد. ابتغال دانشگاه منظمه فکری منسجمی را که مارا بواسطه تصویر یک آرمان وادار به کششگری می‌کند از بین برده است. او سیاست های حاکمیت و ساختار نظام سرمایه را عامل تبدیل شدن تحصیل به عنوان یک کالا و دانشگاه به مثابه ابزاری برای رسیدن به مافع اقتصادی عنوان می‌کند و می‌افزاید:بولوی شدن آموزش در همین راستا بوده،تبعیض های سهمیه ای و جنسیتی دانشگاه را نشانز داده به منفعت دسود و اقتصاد و درباره صدور مجوزاتحادیه، دانشجویان متحد و تا‌ا با این وضعیت به اتحادیه نمی‌رسند چون عزم وزارت علوم برعدم دادن مجوز است.هدف ما از ابتدا رسیدن به اتحادیه نبوده که بخواهیم از آن دست بکشیم و جنبش را ملغی کنیم. جذب عناصر اسلاگر که به نوعی اصل دانشجو همچنان ایمان دارند جنبه خود

کنیم و با هم افزایی دوباره بتوانیم اهداف جنبش را دنبال کنیم و در پایان وظیفه انجمن‌ها و فعالین جنبش دانشجویی را اینطور خلاصه می‌کنند:ما به دنبال ایدئولوژی نیستیم چراکه به اعتقاد من نگاه ایدئولوژیک یک ساختار منطبق است که هیچ انعطافی باواقعیت های جامعه خود ندارد.ما باید روشنگری کنیم و فهم خود را از مسائل بالا ببریم.شش وا‌رگی که ما در دانشگاه دچارش شدیم باعث انفعال و بی‌هنجاری ما در جامعه شده